

"بررسی تطبیقی بین بناهای با ارزش قدیمی دوران اسلامی و بناهای مدرن امروز با هدف بازشناسی و احیا سازی" (بر اساس مولفه های معماری اسلامی)

شیمادادفر: استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

www.dadfar.ur@gmail.com

سید محسن زینلی: دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

www.mohsensmz@yahoo.com

چکیده

یکی از مباحث اصلی جنجال برانگیز در فضای معماری و امروز ایران، موضوع حفظ بناهای با ارزش قدیمی دوران اسلامی گذشته و روش های چگونگی حفظ و استفاده از الگوها و مولفه های ارزشمند آن در بناهای جدید و مدرن امروزی است، و بعضا پیش می آید که نگرش های متفاوت به این مقوله فراتر از حیطه مورد بحث رفته و گام در حوزه مسائل سیاسی-اجتماعی میگذارد. در این پژوهش هدف این است که این مولفه ها با توجه به مقوله معماری اسلامی بازشناسی شده و گامی به جهت احیا سازی آن ها برداشته شود و مجددا بکارگیری شده و استفاده بهینه و به روز از آن ها داشته باشیم. روش پژوهش این نوشتار مبتنی بر تحلیل توصیفی و مطالعات کتابخانه ای است. نتایج به دست آمده از این پژوهش، با هدف بازشناسی و احیاسازی مولفه های معماری اسلامی و استفاده بهینه از این اصول برای رسیدن به بناهای مدرن با کیفیت امروز است و در پی پاسخ به این سوال است که چگونه میتوان معماری خانه های مدرن را با معماری خانه های اسلامی ایرانی گذشته پیوند زد؟ و به مقایسه تطبیقی بین دو نمونه موردی، یک بنای قدیمی بر اساس مولفه های اسلامی ایرانی و دیگری یک بنای مدرن بر اساس همین مولفه ها و با الگو برداری از این بناها میپردازد که با دریافت راهکارهایی مفید جهت طراحی بناهای امروزی از طریق الگو برداری بهینه از معماری بناهای شاخص اسلامی ایرانی به چه نتایج قابل تاملی دست میابیم که صراحتا بیانگر مزیت های احیاسازی مولفه های معماری اسلامی بناهای قدیمی و استفاده از آنها در بناهای امروزی است.

کلید واژه: معماری اسلامی، بازشناسی، احیاسازی، بناهای دوران اسلامی، بناهای مدرن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. مقدمه

از ابتدای قرن چهاردهم شمسی به دلیل تغییراتی که در جامعه ما رخ داد و نیازهای جدیدی را برای مردم ایجاد کرد. پیدایش تحولات فرهنگی، اقتصاد را نیز تحت الشعاع قرار داد و به موجب آن جامعه به سمت صنعتی شدن گام برداشت، و این گام مشکلات بسیاری را برای جامعه ی پیشین که سنتی عمل میکرد ایجاد کرد تا جایی که کارایی گذشته خود را از دست داد. با توجه به سرعت رشد فراینده این روند و عدم آگاهی و توانایی مسئولین وقت، برای کنترل و همگام سازی جامعه با این تحولات، ناهنجاریهایی جامعه را در بر گرفت که خسارات جبرانناپذیری را در کالبد شهرهایی که پیشینه ی سنتی داشتند از خود بجا گذاشت. نتیجه این سهل انگاری، ایجاد اشتیاق به کلانشهر نشینی و رشد شهرنشینی بود و تا جایی پیش رفت که موجب تخریب بناهای اسلامی و سنتی، و ساخت بناهای نوین و مدرن ارزش محسوب شد. اکنون این سوال پیش می آید؛ که چگونه میتوان امروز خانه های مدرن را با توجه به مولفه های معماری اسلامی گذشته ایران طراحی کرد که آرامش امروز ساکنان و مالکان آن را فراهم کند؟ چگونه میتوان معماری خانه های مدرن را با معماری خانه های اسلامی ایرانی گذشته پیوند زد؟ چگونه میتوان مولفه های معماری بناهای اسلامی شاخص را در معماری بناهای امروزی پیاده کرد؟ در این مقاله سعی شده ارزش و مولفه ها شناسایی شده و در کنار یکدیگر بررسی شوند که نهایتاً با شناخت برتری های مولفه های معماری های قدیمی بناهای اسلامی ایرانی بتوان الگوی بناهای جدید امروز را مورد شناخت و معرفی قرار داد به منظور بکارگیری به جهت سوق در معماری و حفظ ارزش های دیرینه.

2. روش تحقیق

این مقاله با تکیه بر بررسی کیفی، تحلیلی، با استناد به منابع کتابخانه ای و اسنادی و با استفاده از روش های تحقیق توصیفی- تحلیلی به بازخوانی اقدامات و نظریات در حوزه فرهنگ و حکمت اسلامی و بومی گرایی در راستای بازشناسی و احیاسازی مولفه های طراحی بناهای شهری، معرفی عناصر اصلی موثر بر زیبایی جداره های شهری پرداخته شده است و با دستیابی به چارچوبی مفهومی و اصولی کاربردی، فرآیندی مطلوب، بهینه، انعطاف پذیر و بومی در زمینه تطبیق مولفه های ارزشمند دوران اسلامی ایران با بناهای مدرن امروز ارائه شده است تا بدین ترتیب اصول کاربردی موثر بر بازشناسی و احیاسازی این مولفه ها به انطباق با اصول طراحی بناهای امروزی منجر گردند. جامعه آماری شامل یک نمونه از بناهای شاخص و با ارزش قدیمی معماری اسلامی در اصفهان و یک نمونه از بناهای مدرن امروز منطبق بر مولفه های اسلامی ایرانی میباشد. جهت نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل و مقایسه داده ای تحقیق استفاده شده که نهایتاً نتیجه مطلوبی را ارائه میکند.

3. پیشینه پژوهش

یک بنای معمارانه زمانی ارزش واقعی خود را در معرض توجه قرار میدهد که توانمند در پاسخدهی به نیازهای روز جامعه و محیط خود باشد. بر این اساس در صورتی که بخواهیم محوطه و فضای مجاور یک اثر فاخر تاریخی را گسترش دهیم و گاهی بناهایی امروزی را با توجه به نیاز روز در آن محوطه جانمایی کنیم، نکات و مولفه هایی را باید در نظر بگیریم که علاوه بر مفیدحال واقع شدن طرح، ارزش و شان بنای مذکور نیز حفظ شده و ارتقاء یابد. در خصوص همین مسائل و پژوهش حاضر مطالعه ای بر پژوهش های صورت گرفته در راستای همین موضوع داشته ایم که میتوان به مقاله الهام گرفتن از معماری ایرانی نوشته فراتاش کشاورز و رعناسادات کمالی نژاد و میلاد صافی اشاره کرد که پیرامون ارزش معماری قدیمی ایران (اسلامی ایرانی) و ارتباط آن با معماری امروز پرداخته اند اشاره کرد. در مقاله ای دیگر با عنوان بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه های سنتی در شهر ایرانی اسلامی نوشته اسماعیل ضرغامی علی خاکی و سیده اشرف السادات که حول محور پایداری خانه های ایرانی با هویت معماری اسلامی و سنتی پرداخته اند و این موضوع را بیان کرده اند که هیچگاه نوع پلان برخلاف باورهای دینی و عقیده های ما پایه گذاری نشده است. در گذر زمان به خاطر ناملایمات اجتماعی و دور شدن جوامع از ارزشهای اجتماعی خودی و بومی، معماری های دیگری حاکم شدند، که سرتاسر مشکل بودند، و جوامع در جستجوی علت و راه حل برای آن مشکلات بحث پایداری و معماری پایدار را پیشنهاد کرده اند. در پژوهشی با عنوان فرهنگ در پژوهش معماری، حسینی و عبد مجیری تا حدودی به مزیت های رواج فرهنگ در معماری پرداخته اند. نیکنام، حقانی و فرشی حقی در یک پژوهش دیگر به موضوع تحلیل نشانه شناختی فرهنگ معماری از خانه تا ناخانه پرداخته که بی ربط به پژوهش حاضر نیست. در مقاله دیگری با عنوان فرهنگ و معماری، زهرا گنجی به این نکته پرداخته که عدم آگاهی لازم از رابطه بین فرهنگ و معماری از مسایل مهم جامعه ایرانی است. فرهنگ ها در تعامل انسان ها با یکدیگر شکل می گیرند، تغییر می کنند و باز تولید می شوند. دیگر بررسی های صورت گرفته در پژوهش های پیشین، نمونه های مذکور همراه با نمونه های حائز اهمیتی دیگری که در ادامه ذکر شده، نتایج پیش رو را شامل شده است. امید که مفید واقع شود. لازم به ذکر است که مساله مورد بحث از جایی حائز اهمیت میشود که پژوهش های اندک پیشین که در این باره صورت گرفته هرکدام از نمونه ها در یک موقعیت جغرافیایی به خصوص مورد بررسی قرار داده و به مثابه این پژوهش در جوار قدیمی ترین شهر جدید ایران نبوده و چون پژوهش حاضر عملاً در صدد معرفی و تحلیل مولفه های معماری اسلامی به جهت بکارگیری در معماری بناهای امروز نبوده است.

جدول 1- پژوهش های پیشین (ماخذ: نگارنده، 1400)

عنوان مقاله	روش تحقیق	هدف	پوستن پژوهشگر	نویسنده	فصلنامه	سال پذیرش
الفاظ، الگوها، طرح‌های ایرانی معاصر، بنیادهای اسلامی	توصیفی - تحلیلی	بررسی تکریم و مهمون و ضرورت نمودن آن در شناختن بنیادهای معاصر ایرانی	در ساختار معاصر، به تکریم و ضرورت نمودن آن در شناختن بنیادهای معاصر ایرانی	حسن وزمیران	فصلنامه علمی پژوهشی طراحی شهری - ساکنان	۱۳۸۸
ارزایی و تأثیر بانی معاصر بر بنیادهای ایرانی	توصیفی - تحلیلی	ارزایی و تأثیر بانی معاصر بر بنیادهای ایرانی	ارزایی و تأثیر بانی معاصر بر بنیادهای ایرانی	حسن وزمیران	فصلنامه علمی پژوهشی طراحی شهری - ساکنان	۱۳۹۵
اندام گران از معماری ایرانی	تحلیلی - فیزیکی	اندام گران از معماری ایرانی	اندام گران از معماری ایرانی	حسن وزمیران	فصلنامه علمی پژوهشی طراحی شهری - ساکنان	۱۳۹۳
بررسی تأثیر شبکه‌ها بر معماری ایرانی	توصیفی - تحلیلی	بررسی تأثیر شبکه‌ها بر معماری ایرانی	بررسی تأثیر شبکه‌ها بر معماری ایرانی	حسن وزمیران	فصلنامه علمی پژوهشی طراحی شهری - ساکنان	۱۳۹۵

4. مبانی نظری 4.1 یافته‌ها

از آنجا که تاریخ ساخت بناها در معماری و شهرسازی ایران بر اساس فرهنگ و رسوم مردم بوده است، بناها دارای ویژگی‌های معماری اسلامی ایرانی هستند؛ در این بخش به شناخت و بررسی این ویژگی‌ها اشاره میکنیم و در ادامه با توجه قبه شناخت این ویژگی‌ها، تاثیر و اعمال آن را در طراحی یک نمونه قدیمی و سنتی و یک نمونه امروزی و مدرن میبینیم و نهایتاً به این مهم دست پیدا میکنیم که با توجه به فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی، این ویژگی‌ها همیشه مفید حال واقع میشوند و ارزش خود را با گذر زمان نه تنها از دست نداده بلکه به مراتب ارزشمندتر هم شده و یکی از دلایل آن نایاب شدن این مولفه‌ها و عدم استفاده در معماری‌های امروز است که این پژوهش میکوشد تاثیر الگوبرداری این ویژگی‌ها و مولفه‌های ارزشمند و پیاده‌سازی آن در بناهای امروز را به نمایش بگذارد. یکی از این ویژگی‌های بارز معماری اسلامی ایرانی درون‌گرایی است، این مفهوم که به صورت یک اصل در معماری اسلامی ایرانی بناهای قدیمی وجود داشته به صورت متنوع در بناهای به جای مانده در بناهای قدیمی تر موجود نیز قابل مشاهده است. در فرهنگ این نوع معماری، ارزش واقعی به جوهر هسته باطنی آن بوده و پوسته ظاهری بسیار ساده پرداخته شده است. در معماری درون‌گرا، تزئینات درون حیاط و فضای داخلی بنا به وفور به کار می‌رفته و معماری نماهای بیرونی کمتر مورد توجه قرار می‌گرفته است، در طراحی بناها از اصل محرمیت و سلسله مراتب پیروی می‌شده است بنابراین در بناهای سنتی و قدیمی می‌بینیم که توجه فاحشی به نماهای سمت گذر و خیابان نشده است، مگر در ساخت در ورودی بنا که فقیر و غنی بودن ساکنان از نوع سردر آن قابل تشخیص بوده و هر چه سردر پرکارتر و بزرگ‌تر بود و با جزئیات بیشتری تزئین می‌شد نشان از ثروتمند بودن ساکنان آن داشت که نمونه‌های آن در بافت قدیم و کوچه‌های کنار گذرها هنوز موجود است. پس نتیجه می‌گیریم تنها عنصر خارجی که در معماری اسلامی ایرانی قدیم به آن توجه شده طراحی سردرها بوده است بنابراین تنها در طراحی سردرها می‌توان برای طراحی نماهای جدید الهام گرفت، و یا از موتیف‌های آن و ریتم‌های سه، پنج و هفت موجود در نماها بیرونی و مرکز گرایي در نماهای بناهای اسلامی بهره برد. حقیقت این است که نمای ساختمان بر روح ما تاثیر میگذارد. ویستون چرچیل در سخنرانی کنگره سال 1943 این موضوع را اینطور بیان کرد: "ساختمان‌ها را ما شکل می‌دهیم و سپس ساختمانها ما را شکل میدهند." (لاوسون، 1391: 203)

نوربرگ شولتز، شکل‌گیری انسان را وابسته به شناسایی مکان می‌داند، چنانچه شناسایی را شالوده حس تعلق داشتن انسان به مکان می‌داند و جهت یابی، را تنها عملکردی که برای او حرکت را در مکان ممکن می‌سازد. (بمانیان، 1390: 14).

مکان‌هایی که تقویت‌کننده حس مالکیت، احترام، مسئولیت‌های محیطی و اجتماعی هستند. ترغیب و تشویق ساکنان استفاده‌کنندگان از مکان به احساس مالکیت و مسئولیت نسبت به محیط پیرامونی نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا میکند که به نوبه خود فرهنگ محسوب میشود. وضوح و روشنی فضای حائل ما بین فضاهای عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی و یا به عبارت دیگر نقطه مشترکی که فضاهای نیمه خصوصی و خصوصی آغاز می‌شوند میتواند به این امر کمک نماید. عدم قطعیت مالکیت موجب کاهش احساس مسئولیت و افزایش احتمال وقوع جرم رفتارهای ناهنجار غیر قابل مقابله می‌گردد. (دیویس، 1389: 21).

کوین لینچ (1960) هویت یک مکان را صرفاً چیزی می‌داند که باعث تمایز یا فردیت آن از سایر مکان‌ها میشود و به عنوان مبنای شناخت مکان در مقام موجودیتی مجزا عمل میکند. بدیهی است که هویت به جای یک نشانی ساده در یک مجله یا بودن نقطه ای روی نقشه، خصیصه اساسی تجربه مان از مکان هاست که هم تأثیر گذار و هم متأثر از تجارب مزبور است. آنچه در میان است صرفاً شناخت تفاوت‌ها و مشابهت‌ها بین مکان‌ها نیست بلکه عمل اساسی تر شناخت مشابهت در تفاوت است. این فقط هویت یک مکان نیست که اهمیت دارد بلکه هویتی که یک فرد یا گروه با آن مکان دارند هم مهم است، خاصه اینکه افراد مکان را به عنوان یک غریبه یا آشنا تجربه کنند. (رلف، 1389: 61).

در یک جلسه با حضور چند از معماران صاحب نظر ایرانی موضوعی مورد بحث قرار گرفت با عنوان "کاربرد اصول معماری خانه های سنتی در طراحی مسکن امروزی" که در اینجا به چند راهکار مهم و نتیجه ای که طی پژوهش توسط این معماران ارائه شد اشاره میکنیم که ذکر آن در این پژوهش میتواند مفید و تاثیر گذار واقع شود. سید هادی میرمیران درباره معماری گذشته ایران این سوال را مطرح کرد؛ ما معماری اسلامی ایرانی را سخت تحسین می کنیم، اما هنوز برایمان دقیقاً مشخص نشده که چرا این کار را می کنیم و مطالعه معماری قدیم ایران چه اهمیت و سودی دارد و آیا ما باید صرفاً به تحسین آن اکتفا کنیم چون تمام شده و از بین رفته است، یا نه امید داریم نتایجی هم از این بررسی ها برای معماری امروزمان بگیریم؟

این معماری همیشه کوشیده است از کیفیت مادی به کیفیت معنوی، یا به عبارتی از ماده به روح برسد، و به بیان معمارانه با کم کردن جرم به سوی افزایش فضا حرکت کرده است. در واقع معماری جهانی را هم می توان با این مفهوم یا با این تلاش توضیح داد. این تلاش در معماری ایران به طرز بارز و مشخصی دیده می شود. کاری که معماری اسلامی ایرانی با نور یا با آب کرده، به همین منظور، یعنی سبک کردن ماده و افزایش فضا بوده است. معماری اسلامی ایرانی دارای اصولی است که قابلیت تداوم دارند. بحث قابلیت تداوم اصول معماری ایران را در سه زمینه می توانیم دنبال کنیم: فرم، الگو، و مفهوم. فرم بیش از دو مقوله دیگر به زمان و مکان مقید است و به همین دلیل قابلیت تداوم آن در طول معماری یک سرزمین کاهش می یابد. الگو در واقع یک استنباط تجربی است. یک امر عرضی است که از یک واقعیت معماری گرفته می شود. مثلاً اگر الگوی حیاط مرکزی یا همه چهار تایی هایی را که درباره آنها حرف زده ایم مثلاً چهار طاقی و چهار ایوانی و غیره را مدنظر قرار دهیم، می توان استنباط های مشخصی را از آنها بیرون کشید، به این دلیل که از فرم مجردتر است و بیشتر تن به تجربه می دهد و بنابراین قابلیت تداوم بیشتری می یابد. (فصلنامه آبادی 23، 29، 1375)

مقوله سوم مفهوم است. اگر حیاط معماری ایران را مثال بزینیم، ابتدا به آن به عنوان یک فرم نگاه میکنیم. واقعاً می توان حیاط مرکزی را یک فرم تلقی کرد. اما می توان آن را یک الگو هم دید. اما مهمتر از آن یک مفهوم است. به این معنا که قلب معماری تهی است، خالی است. به هر حال می توان این بحث را به این صورت خلاصه کرد. ما می توانیم عناصر معماری ایرانی، مثلاً حیاط مرکزی، را به سه صورت ببینیم:

(۱) به عنوان فرم؛

(۲) به عنوان الگو؛

(۳) به عنوان مفهوم.

معماری ایرانی که در پی یافتن عمقی معنوی است، در مرکز خود به مجرد می رسد. اگر این را درست تشخیص داده باشیم، این مفهوم نه تنها در معماری امروز ما، بلکه در معماری دنیا تا ابد قابل تداوم و تکرار است و در نهایت میتوانیم به این نتیجه برسیم که معماری ایران دارای مبانی مشخصی در سه مقوله فرم ها، الگوها، و مفاهیم است. این مبانی قابل تداوم اند. و در آنجا که از فرم به مفهوم تبدیل می شوند و به عبارتی از کیفیات عینی به کیفیات ذهنی می رسند قابلیت تداوم بیشتری می یابند. (فصلنامه آبادی 23، 30، 1375)

کامران افشارناری مطرح میکنند یکی از مشکلات مدرنیسم عدم امکان مطالعه هه تاریخی آن است، نه فقط به خاطر سرعت تحولات آن، به این دلیل که اصولاً جوهر مدرنیسم ضدیت با تاریخ است و فکر می کنم ریشه این طرز تلقی بسیار قدیمی تر از آغاز قرن بیستم است.

برخورد تاریخی با معماری را می توان در قالب نظریه های معماری ارائه داد که ارزشمند است و باید به این سطح ارتقا داده شود. در صورت تبدیل آنها به دستورالعمل سطح کار تنزل می یابد. اما این نظریه های معماری هم شخصی و غیرقابل انتقال هستند. تاریخ معماری مدرن این واقعیت را خوب نشان داد که نظریه های شخصی قابل انتقال نیستند و وقتی انتقال پیدا می کنند فاجعه به بار می آورند، چون افراد دیگری که زمینه های فکری و شناخت آن نظریه پرداز را ندارند، نمی توانند از نظریه اش درست استفاده کنند. یکی از مشکلات امروز ما در ایران این است که هیچ زمینه فکری که به صورت نظریه درآمده باشد برای کارهای ما وجود ندارد. اما اگر بخواهیم این بحث ها را به استخراج دستورالعمل بکشانیم، سطح آنها را تنزل داده ایم. (فصلنامه آبادی 23، 31، 1375)

فیروز فیروز در این رابطه میگوید معماری ایرانی یک زبان بسیار مشخصی دارد که شخصی نیست، شخصی کردن ها در جزئیات اتفاقی می افتند. ماریو بوتانا نام یکی از کارهایش را که به گفته خود او در آن از معماری ایران الهام گرفته، معماری عاطفی گذاشته است، اما چرا عاطفی؟ چون نمی شود نظریه ای در باب آن پرداخت. در باب لوکوربوزیه می شود نظریه پردازی کرد، اما در مورد رایت نمی شود. اما می توان این معماری را شناخت و باید از آن وسیله و ابزار ساخت. همین که ما ابزار خودمان را بشناسیم خیلی مهم است. به طور مثال:

در معماری هخامنشی با ستون 60 یا 80 سانتی متر و فاصله 7 متر کار کرده ایم. و این دو نوع معماری هر دو با یک قدرت تکنولوژی ساخته شده اند. یا معماری اسلامی مصر و مسجد الازهر را با هر مسجد دیگری در ایران مقایسه کنید: هر دو اسلامی است، ولی در معماری ایران شفافیت بارز است. هر سرزمینی، یک روح، یک تفکر، یک فرهنگ و یک معماری دارد، که قابل تداوم است و باید تداوم پیدا کند. این امری شخصی نیست، تاریخی است. در تاریخ امر شخصی مطرح نیست. طرح اصول این معماری و تأکید بر این که قابل تداوم اند و ما می خواهیم این اصول را دنبال کنیم، یک دستورالعمل و نظریه معماری است. نظریه برای معمار مانعی برای بروز خلاقیت او نیست. چه کسی گفته که در جهان هیچ دستگاهی وجود ندارد؟ کدام مکتب فلسفی است که دستگاه فکری نداشته باشد و کدام دستگاه مدرن

فلسفی یا هنری است که ریشه در تاریخ نداشته باشد؟ ما وقتی می‌توانیم جهانی باشیم که به نوعی سرزمینی باشیم. و این یک دستورالعمل بزرگ است. اما برای اینکه سرزمینی باشیم، باید دستگاه خودمان را بشناسیم. اگر کسی بخواهد بر پایه فلسفه ارسطو حرکت کند، باید ارسطو را خوب بشناسد. ما نمی‌خواهیم معماری ایرانی را بشناسیم فقط برای آنکه آن را شناخته باشیم، می‌خواهیم اصول قابل تداوم آن را پیدا کنیم و ادامه بدهیم. به شناخت و سپس تطبیق نمونه‌های موردیمان بر این اصول می‌پردازیم. (فصلنامه آبادی، 23، 1375، 35)

معماری بر اساس مولفه‌های انسانی

معماری بومی انسانی خود نوعی ساماندهی است که طبق احساس نیاز پدیدار شده است.

معماری بر اساس مولفه‌های محلی

صورت دیگری از نوع انسانی است که ارتباط مستقیمی با شرایط بومزاد آن منطقه دارد و با توجه به شرایطی چون فرهنگ و آب و هوا، مترتال آن ناحیه و دیگر مواردی ازین قبیل شکل می‌گیرد. این گونه از معماری، برای اکثریت جذاب و قابل تامل و دوست داشتنی است، مانند عضوی از یک سازه که تکمیل کننده آن سازه بوده و تضمین کننده مقامت یک کل منسجم است حتی اگر از لحاظ زیبایی بصری ضعیف عمل کرده باشد.

معماری بر اساس مولفه‌های مذهبی

این نوع از معماری تداعی کننده نوعی ارتباط از طرف انسان با نیرویی فراتر از خود است و در صدد است جامعه‌ای عرفانی و معنوی به بنا بپوشاند.

معماری بر اساس مولفه‌های یادمانی

این نوع معماری در صدد زنده نگه داشتن یاد و خاطره شخصی بزرگ و موثر در یک مرز و بوم بر می‌آید. عامیانه‌ترین نوع آن یک تپه است که به شکل یک هرم، بر روی مزار متوفی بنا میشود و بیانگر قدرت و بزرگی وی بود که در گذر زمان شاکال متفاوتی از خود به جای گذاشت. (پرهیزکار، 1382)

معماری بر اساس مولفه‌های کارآ

این گونه از معماری بیشتر با هدف کارا بودن و سود رسانی در تمدن‌های جدیدتر مشاهده شده و بناها را به گونه‌ای معماری میکند که صرفه اقتصادی و ارزش افزوده بیشتری از آن در بر بگیرد و لا غیر؛ به همین دلیل عرصه را برای دیگر مولفه‌های معماری تنگ کرده است. لازم به ذکر است انواه معماری‌های مذکور، نوعی همزیستی در کنار یکدیگر را بیان میکنند. (پرهیزکار، 1382)

4.2 فرهنگ ایرانی اسلامی

فرهنگ را به معنای عام کلمه به معنای پیشرفت‌های معنوی و ژرفای فکری یک قوم، قبیله یا ملت در طول تاریخ و مجموعه‌ای از ارزشها، هنرها، آداب و رسوم، مذهب، سنن، زبان، ادبیات، قوانین اجتماعی، هنر و معماری، ابزار و اشیاء مربوط به یک ملت یا قوم میدانند. تعریف‌ها را با توجه به تأکیدهای خاصی که از کاربرد آنها نشأت گرفته است، میتوان به چند دسته تقسیم کرد:

1. تعریف‌های تاریخی: که تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه دارد؛
2. تعریف‌های روانشناختی: که تکیه بر الگو و روش تسهیل سازگاری با محیط و جامعه دارد؛
3. تعریف‌های ساختاری: که در آن تأکید بر ایجاد شده‌ها توسط اجتماع بشری را دارد؛
4. تعریف‌های تشریحی: تأکید بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را دارد.

4.3 معماری با فرهنگ مدرن امروز

امروزه به خاطر وضعیت بد اقتصادی و مشکلات معیشتی و درآمد کمتر خانواده‌ها، معمولاً در خانه‌های کوچکتر سکونت میکنند. از طرف دیگر علاقه مند به زندگی به سبک مدرن و سکونت در فضاهای مسکونی مدرن که مملو از تجهیزات بروز هستند که هزینه‌های زندگی و سکونت را به مراتب بالا میبرد و همه این موارد دست به دست هم داده تا از کیفیت زندگی مطلوب کاسته و آرامش را از خانواده‌هایی که اکثر عقاید و روحیات سنتی پیشین خود را حفظ کرده اند، بگیرد. و این اتفاق در حالتی رخ میدهد که. (پرهیزکار، 1382)

مرحوم محمد کریم پیرنیا برای معماری ایران تعریف کرده است (مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی و درون‌گرایی) نیز با مفاهیم و اصول معماری و شهرسازی پایدار هماهنگی بسیار دارد. مردم‌واری به معنی رعایت تناسب میان معماری و نیازهای مادی و معنوی و روش زندگی انسان، "مرد‌واری" باعث ایجاد تناسب و کیفیت فضایی بر مبنای نیازهای انسان و شرایط محیطی و دستیابی به آسایش انسان شده است. به گونه‌ای که در اتاق‌ها، حیاط‌ها و بسیاری از فضاها و عناصر معماری خانه‌های ایرانی دیده می‌شود. "پرهیز از بیهودگی" به معنی هدفدار بودن معماری و عدم انجام کار بیهوده باعث شده است که عناصر معماری ایران علاوه بر جنبه‌های تزئینی، دارای ویژگی‌های عملکردی و اقلیمی نیز باشد. این مسئله در کاربردی زیر گنبدها و ارسی‌ها رعایت شده است. "نیارش" در معماری ایران باعث ایجاد عناصری شده که علاوه بر ساختار ایستا و مقاوم، دارای ویژگی‌های اقلیمی نیز هست مانند دیوارها، جرزها، طاق‌ها و گنبدها.

"خودبسندگی" به معنی استفاده از منابع، امکانات و مصالح بومی باعث هماهنگی معماری و محیط و حداکثر استفاده از منابع تجدیدپذیر و عدم تجاوز به منابع و نیازهای آیندگان شده است. استفاده از خاک گودبرداری شده از حیاط و گودال باغچه در ساخت خشت و گل و احداث بنای خانه بر همین اصل استوار بوده است. "درون گرایی" در معماری ایرانی به معنی حفظ فضاهای درونی از شرایط بیرون و سازماندهی درونی فضاهای معماری، درونگرایی علاوه بر اینکه ریشه در باورهای فرهنگی و آیینی ایران دارد به شرایط محیطی و اقلیمی نیز وابسته است. که باعث عناصری مانند حباب مرکزی، گودال باغچه و بسیاری از عناصر وابسته به آن شده است. (پیرنیا، 1386، ص 26).

5. تحلیل یافته ها

5.1 خانه تاریخی ملاباشی اصفهان

خانه معتمدی یا خانه مال باشی اصفهان خانه ای مربوط به دوران های مختلف تاریخی است که تزئینات و معماری بسیار چشم گیر ایرانی دارد. خانه ای هر چند به خاطر معماری اش مشهور بوده اما داستان های تاریخی بسیاری در پشت صحنه آن، وجود دارد. این عمارت تاریخی، پس از سال ها توسط آقای دکتر معتمدی خریداری شده و هم اکنون برای بازدید عموم باز شده است. خانه ملاباشی در محله پاقعه اصفهان و در خیابان ملک واقع شده است. حد شرقی خانه به خیابان ملک و حد جنوبی آن به کوچه مالباشی محدود می گردد. این بنا در کنار خانه تاریخی استکی است و انگورستان ملک در نزدیکی آن واقع گردیده است.



جدول 2-بخش های مختلف خانه ملاباشی(ماخذ: نگارنده، 1400)

بخش بیرونی خانه	دارای حیاط مستطیل شکل است، فضاها در ضلع شرقی و غربی آن وجود دارد (اتاق های 3 دری که دری گچ بری است و ایوان در جلوی آنها قرار دارد که ستون های ایوان گچبری شده است)
بخش حوضخانه	در بخش میانی قرار دارد و دارای فرم 8 ضلعی است که توسط 3 دری های شرقی و غربی به اتاق اندرونی و بیرونی میرسد این بخش دارای سقفی است که روی ستون های گچ بری شده قرار گرفته و دارای نورگیر 8 وجهی است
بخش اندرونی خانه	دارای حیاط مرکزی مربعی شکل است و اتاق های 3 دری و 5 دری و 9 دری در اطراف آن قرار دارد

تصویر 1-حیاط خانه ملاباشی(ماخذ: نگارنده،

1400)

ورودی خانه ها: دارای تزئینات مقرنس کاری و اینه کاری، قطار بندی، نقاشی های نفیس طرح گل و مرغ و گچبری است.

خانه به دو بخش کلی تقسیم می شود فضاهای زندگی و فضاهای خدماتی، در فضای زندگی فضا گرم و صمیمی، پر انرژی گشوده و با نورگیری بالا است و در فضاهای خدماتی اتاق هایی برای استراحت و کارهای اندرونی است که در آن فضا بسته تر، جدی تر و سرد است.

جدول 3-بخش های ورودی خانه ملاباشی(ماخذ: نگارنده، 1400) جدول 4-اقسام اتاق های خانه ملاباشی(ماخذ: نگارنده، 1400)

ورودی شرقی	عمود بر محور حیاطان و میرسد به دالان طولانی که در ضلع شمالی کشیده شده و به حیاط بیرونی و اندرونی و حوضخانه میرسد و به جاه و ایوانه میرسد.	اتاق 9 دری	تر ضلع شمالی که دارای نقش گل و مرغ و گچ بری و اینه کاری، ارسی و شیشه تزئینی است
ورودی ضلع جنوبی	دسترسی به حیاط بیرونی	اتاق 5 دری	در پشت این تالار برف انداز و در شمال غربی آن مطبخ خانه وجود دارد در حبه غربی این بخش قرار دارد که از طریق 2 پلکان از اتاق ها و اشکوب میانی و نام به حیاط راه میابد
ورودی در جنوب خانه	این ورودی به هشتی میرسد که ارتباط دارد به بخش اندرونی و حوض خانه	اتاق 5 و 9 دری	شاه نشین این اتاق دارای تزئینات زیبای مقرنس کاری گچ بری و اینه کاری است سرداب خانه در بخش زیرین که 5 و 9 دری هستند و به دلیل هوای مطبوع به عنوان تابستان نشین استفاده میشود



تصویر 2-بخش های مختلف خانه ملاباشی(ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)



حیاط بیرونی زمانی که آقای معتمدی در سال 80 خانه ملا باشی اصفهان را خریداری می کنند، این قسمت کاملا ویران شده بود. به همین خاطر بیشترین بازسازی ها اینجا صورت گرفت و از این رو بازسازی این قسمت، بیشتر از هر جای دیگر به چشم می آید. پله هایی

که شما را به طبقه بالایی و ایوان می رساند، در این حیاط قرار دارد. اتاق زیبایی هم در انتهای حیاط بیرونی قرار گرفته که پنجره های رو به خیابانش رنگارنگ و زیبا بازسازی شده است. تابستان نشین از حیاط یا راهروی کناری آن که تماما نورپردازی و تزئین شده می توان به بخش تابستان نشین خانه که یادگار زندیه است رسید. حیاط اندرونی وقتی از راهرو بین حیاط بیرونی و تابستان نشین به این حیاط می رسید، روحان تازه می شود. این حیاط دو بخش قاجار و صفوی وجود دارد و شما به وضوح تفاوت معماری صفوی و قاجاریه را مشاهده می کنید. به راحتی می توانید تفاوت بین سرداب های بنا را ببینید. سرداب قاجاری وسیع تر و با سقفی چوبی است ولی سرداب صفوی تماما سقفی طاق و چشمه ای از جنس آجر دارد. تفاوت دیگر در نوع شومینه هاست که در دوره صفویه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و روی آن تزیینات زیادی انجام شده است. از دیگر خصوصیات منحصر به فرد در این حیاط، کنگره های چوبی منقوشی است که در بالای اتاق ۹ دری قرار گرفته و معماری قاجاریه را یک بار دیگر، به بیننده یادآور می شود.

شاه نشین این خانه، زیباترین بخش این خانه که انگیزه مالک برای بازسازی عنوان شده و خوشبختانه آسیب چندانی از مرور زمان ندیده است. دیوارهای آینه کاری، نقاشی روی کچ، کچ کاری و نوری که از ارسی های ۹ دری به اتاق می بارد، هر بازدید کننده ای را مسحور می کند. دور تا دور این اتاق، اشیای عتیقه ای دیده می شود. تزیینات کار شده بر روی سقف و لوسترها به زیبایی این بخش از خانه کمک کرده اند. ارسی های خانه مال باشی اصفهان یکی از زیباترین ارسی های قدیمی هستند. در طول دوره های گذشته بخشی از چوب این اورسی ها را بید زده است ولی هنوز هم پابرجا و سالم هستند. به همین خاطر شاید در این خانه بوی نفتالین را حس کنید. نمونه ی این ارسی ها را می توانید در انگورستان ملک و همین طور خانه مشروطه هم پیدا کنید.

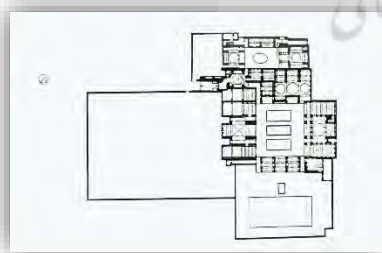
دیگر فضاهای خانه ملا باشی اصفهان :

این خانه بیش از ۱۰ اتاق دیگر هم دارد و هم اکنون که تبدیل به اقامتگاه شده، به هر کدام از آن ها، نام یکی از ماه های ایرانی را داده اند. هر یک از این اتاق ها ویژگی خاص خود را دارد.

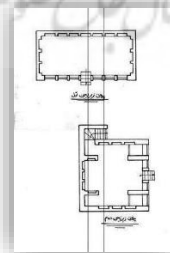
تصویر 3- تابستان نشین خانه ملاباشی (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)



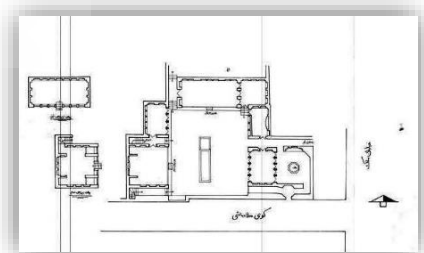
تصویر 4- شاه نشین خانه ملاباشی (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)
پلان های خانه ملا باشی (منزل حاج آقا صادق ملا باشی)



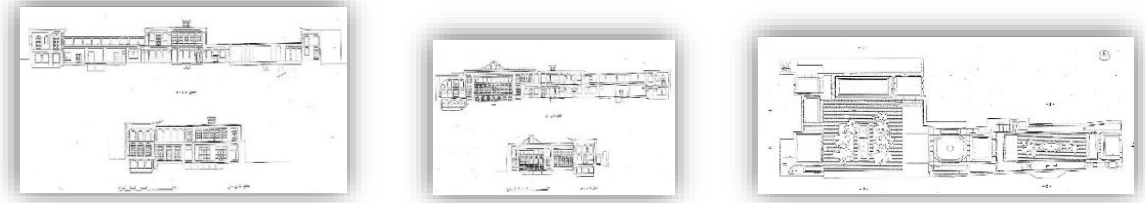
نقشه طبقه همکف



پلان بام



سایت پلان



مقطع طولی و عرضی از بنا

نقشه طبقه اول

تصویر 5- نقشه های خانه ملاباشی (ماخذ: نگارنده، 1400)

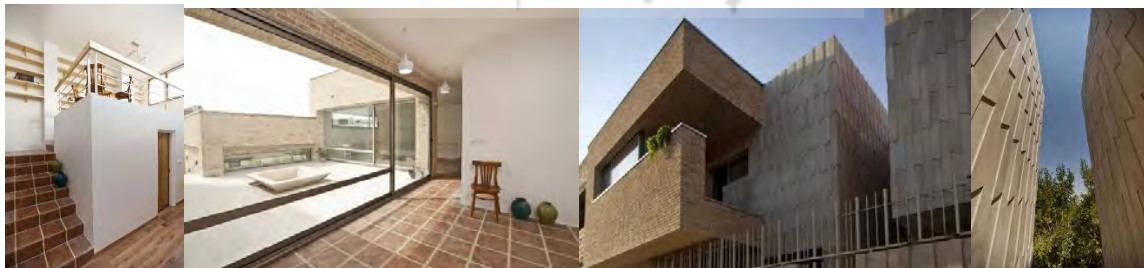
5.2 خانه شماره 7 نجف آباد



تصویر 6- گذر، پلان و نمای بیرونی خانه شماره 7 (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)

خانه شماره 7 در نجف آباد، شهر کوچک و سنتی هفتصد ساله ای است که در دوران صفویه و در نزدیکی [اصفهان](#) پایتخت مهم صفویان، در غالب یک باغ شهر ساخته شد.

زمین خانه ی شماره هفت در حاشیه ی شهر نجف آباد، در محل باغهایی قرار دارد که یکی پس از دیگری در حال نابودی، و قربانی گسترش شهرند. ایده ی اولیه این بود که خانه پیمایی باشد حاوی احترام به باغ با معماری سنتی ایرانی. خانه در مقابل درختان باغ، در بدنه ی شمالی خود عقب نشسته و شکافی عمیق در حجم دارد که پلکان دسترسی و ورودی طبقه دوم از آنجاست. در بالای پلکان، طبقه دوم حیاطی دنج قرار دارد که از سوی دیگرش به حیاط اصلی خانه در همکف سرازیر می شود و به این ترتیب باغ بیرون خانه به باغ درون خانه متصل می شود. حیاط همکف باغچههایی کشیده دارد و در دیوار جنوبی آن قاب هایی سبزرنگ تعبیه شده که همچون پنجرههایی به باغ های گذشته ی این محل که امروز دیگر نیستند، اشاره می کند.



تصویر 7- نما و فضای داخلی خانه شماره 7 (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)

شکاف حجم، فضای داخل را در هر دو طبقه، به دو قسمت جداگانه عملکردی تقسیم می کند: فضاهای خصوصی در بخش شرقی و فضاهای عمومی در بخش غربی. خانواده ساکن خانه چهار نفرند که طبقه همکف را برای زندگی روزانه و طبقه بالا را برای پذیرایی و اقامت میهمانان گاه و بیگاهشان می خواسته اند. به دلیل روحیه

خاص خانواده، فضاهای عمومی، در طبقه همکف و نیز بین دو طبقه، در ارتباط فراوان و سیال با همدیگر است و به کمک بازی‌های حجمی، دیدگاهی وسیع به فضاهای باز و آسمان دارد.



تصویر 8- فضای داخلی خانه شماره 7 (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)

خانه شماره ۷ شاید بتواند با پیش و پس‌رفتگی‌ها، پلکان‌ها، بازی‌های سطوح افقی، حیاط‌ها، باغچه‌ها و سایه‌روشن‌هایش، خاطره‌ای از گوشه و کنار خانه‌های پیشینمان با حیاط‌های مرکزی و بخش‌های اندرونی و بیرونی را به یاد آورد و هم‌نشین و هم‌سایه خوبی برای باغ سرسبز و تنه‌ای مقابلش باشد.



تصویر 9- فضای باز و دسترسی بام خانه شماره 7 (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)



تصویر 9- مقاطع خانه شماره 7 (ماخذ: نگارنده و اینترنت، 1400)

جدول 5- مغایرت‌ها و نقاط مشترک (ماخذ: نگارنده، 1400)

نقاط مشترک	مغایرت‌ها	مولفه‌ها
<p>الهام‌گیری از معماری اصیل اسلامی ایرانی و متناسب با فرهنگ</p> <p>ایده احترام به انسان و طبیعت</p> <p>سادگی</p> <p>استفاده از احجام قابل درک</p> <p>انسان محور بودن</p> <p>توجه به ایستایی و استقامت بنا</p>	<p>روانگرا</p> <p>مصالح متناسب با اقلیم</p> <p>سازنده در طرح دیده نمی‌شود</p> <p>تماما در خدمت انسان است</p> <p>مساحت و ابعاد بنا بر درک بهتر آن تاثیر گذار است</p>	<p>خانه ملباشی</p>
<p>تاکید بر گسترش فضا و کم کردن حجم‌های بی‌فایده</p> <p>شفافیت</p> <p>مبنای طراحی نیاز انسان است</p>	<p>روانگرایی و درونگرایی اولویت نبوده ولی سعی شده از آن الهام بگیرد</p> <p>گاه‌ها برخی مصالح با اقلیم متناسب نیست</p> <p>طرح به نوعی معرف است</p>	<p>خانه شماره 7</p>

جدول 6- بررسی الگوهای معماری (ماخذ: نگارنده، 1400)

خانه شماره 7	بررسی الگوهای معماری	خانه ملباشی
	<p>حیاط مرکزی با هسته منظم بافت فشرده و به هم پیوسته تعبیه حوض و باغچه در حیاط دارا بودن جبهه تابستان و زمستان نشین</p>	
	<p>دارا بودن سر در به منظور دعوت کنندگی که در خانه شماره 7 ضعیف اعمال شده. بادگیری در جبهه شمالی استفاده از مصالح بومی بیشتر در خانه معتدی</p>	
	<p>قرارگیری فضاهای خصوصی در سطحی بالاتر از حیاط جهت گیری بنا در امتداد محور تقارن</p>	
	<p>ساماندهی فضاهای عمومی به طرف حیاط اصلی بازشوها و پنجره های سرتاسری و بزرگ در خ.ش 7 با انسجام و قدرت اعمال نشده.</p>	
	<p>ساماندهی فضاهای اصلی اطراف حیاط به عنوان هسته مرکزی + حوض خانه دسترسی غیر مستقیم به حیاط جهت ایجاد محرمیت فضاهای داخلی در خ.ش 7 در طبقه بالا کامل اعمال شده.</p>	
	<p>تزئینات داخلی با مترپالی که تماما کار دست بوده، بازی بانور، گچبری و آینه کاری که در خ.ش 7 فقط با مترپال آماده امروزی مثل ترمو و پارکت و کناف در نظر گرفته شده.</p>	
	<p>راهروهای ورودی و رابط فضاهای داخلی که به صورت دالونی و با نور دعوت کنندگی به مسیر را تماما ادا میکنند . ولی متاسفانه در خ.ش 7 برای ارتباط بین فضاها این مورد تعبیه نشده و در ورودی هم خیلی ضعیف عمل شده.</p>	

جدول 7- بررسی فضاهای نمونه های موردی (ماخذ: نگارنده، 1400)

خانه شماره 7	خانه ملباشی	مغایرت ها
--------------	-------------	-----------

دیوار با قطر 10 تا 38 سانتی متر سازه های بتنی و یا فولادی ایمنی بیشتر در برابر زلزله سرعت بالاتر ساخت متریال	دیوارهای قطور از جنس سنگ یا خشت خام فاقد اسکلت سقف ها با کاهگل اندود میشد دهانه های عریض بدون اسکلت	سازه
تقریبا یکی از پرهزینه ترین فضاها در بنا است از مصالح مختلف و عمدتا آجر نما و سنگ و سرامیک است خیلی با جداره خوانایی ندارد	خیلی به آن پرداخته نمیشد مصالح عمدتا خشت و گل و بومی تنها تزئینات در نما طراحی سر در عمارت بود خوانایی کامل با جداره	نمای خارجی
نقاشی، کاغذ دیواری، بلکا، کینتکس، ترکیبات چوب، سنگ، دیوارپوش	گچ کاری، آینه کاری، گل و بوته و خشت و گل	نمای داخلی
مساحت و تعداد فضاهای کم به دلیل کمبود زمین خانه سازی به دو صورت افقی و عمودی (آپارتمان سازی) ورودی و راهرو متصل به آن بسیار کوچک فضاها معمولا یک سالن و بعضا یک نشیمن همراه با اتاق ها طراحی میشوند آشپزخانه بر خلاف قدیم یک مکان تقریبا باز به حاب میآید ابعاد آشپزخانه تغییر کرده و دیگر حریمی خصوصی نیست زیرزمین هم جای خور دا به انبار یا استور داده است	تعداد فضاهای بیشتر به دلیل در دسترس بودن زمین مساحت بیشتر سکو برای استراحت مهمان در کنار درب ورودی هشتی و دالان برای پوشش اندرونی سراب و زیرزمین برای نگهداری خوراکی ها آشپزخانه یا مطبخ مختص رفت و آمد خانم و کاملا خصوصی	تقسیمات فضاها
اغلب تزئینات توسط نصب متریال های آمده مانند کاغذ یا رنگ نور پردازی توسط لامپ و نورهای مصنوعی سقف کاذب و طرح دادن آن با نورپردازی مبلمان متناسب با فضا که تقریبا در هر دو مورد مشترک است	تزئینات درعین سادگی با زیبایی فوق العاده طاق ها به صورت قوسی و مربع و دایره تعریف ورودی عمارت به جهت دعوت کنندگی کتیبه چوبی کار شده بر درب های ورودی گچ بری و آیینه کاری سقف شاهنشین و نشیمن اصلی با زیبایی های خیره کننده بازی با نور خورشید و شیشه های رنگی	تزئینات

6. نتیجه گیری

در دو نوع معماری اسلامی ایرانی در ادوار گذشته و معماری مدرن امروز، فواید و مزایای بسیاری نهفته است. که می تواند برای داشتن یک زندگی سازگار با فرهنگ و محیط زیست آنها را مورد استفاده قرار داد. اما بهتر است راهی میانه را انتخاب کرد و فواید معماری اسلامی ایرانی و مدرن امروزی را با هم ترکیب کرد و بیان منحصر به فردی به ساختار بنا داد. واقعیت این است که تغییر در جوامع بشری و نیازهای انسانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، منجر به تحولات معماری شده است. بهترین راه این است که با بهره گیری از تکنولوژی، از نکات مثبت و پایدار معماری سنتی و مدرن، در ساخت سازه های امروز بهره برد. در واقع یک بنا باید هویت داشته باشد. هویت هر جامعه با فرهنگ آن مرز و بوم رابطه مستقیمی دارد. معماری طبق فرهنگ اسلامی ایرانی زمانی اتفاق می افتد که به انسان و مولفه های معماری اسلامی ایرانی و عقاید مذهبی مردم، شخصیت آنان و شیوه زندگی ایشان و سرزمین ایران و جغرافیای آن همزمان پرداخته باشد. مجموعه ای از بناها در مقیاس میانی منظر شهری میتواند نماینده فرهنگ و خواسته های مردم ایران باشد. چه بهتر است با استفاده درست و به جا از عناصر بومی معماری اسلامی ایرانی، از این اصل استفاده شود.

از وجوه تمایز بین مورد های بررسی شده میتوان به این نتیجه رسید که با شناخت کامل معماری خانه های سنتی و اسلامی ایرانی که بر طبق عادات و علایق مردم ایران با فرهنگ متناسب با همین مرز و بوم و توجه بومی گرای در طراحی و ساخت سکونت گاه ها بوده میتوان با الهام گیری از موارد به جا مانده تاریخی و استفاده از همان تکنیک و فنون ، علاوه بر حفظ و نگهداری آثار ارزشمند تاریخی ، عاملی به جهت تطبیق آن ها با فضاها و بناهای مدرن امروزی ایجاد کرد و در کنار زنده نگهداشتن و بهره گیری از این اصول و فرهنگ ها به جهت سهولت در زندگی جمعی و فردی ، عاملی برای شناساندن آن به عموم و انتقال به نسل های بعد از ما باشد. به عنوان مثال برخی از وجوه اشتراک و تطبیق بین این دو فضا را میتوان عادت قدیمی به خوابیدن روی پشت بام خنک و زیر آسمان پرستاره، در شبهای گرم تابستان گفت که کاملاً از دید همسایگان محفوظ و متناسب با اعتقادات مذهبی مردم ایران و اصفهان باشد. شیشه های زیاد و وسیع طبقات بالا و رو به حیاط، که با پرده های حصیری بومی ترکیب شده تا فضایی انعطاف پذیر و قابل بستن یا گشودن به حیاط ایجاد کند. تعدد فضای باز، سهولت دسترسی به آنها و دیدهای وسیع از فضاهای بسته به آسمان به این علت است که مردم دوست دارند بخشی از وقت روزانه ی خود را که در خانه سپری می کنند به فضاهای دلپذیر و دیدن آسمان اختصاص دهند. مردم دوست دارند «روی زمین» و «زیر آسمان» زندگی کنند.

مولفه های حیاتی جهت تطبیق معماری اسلامی ایرانی گذشته و بناهای مدرن امروز :

*رعایت اصل سادگی و رعایت محصوریت. *رعایت تناسبات بصری و هم خوانی با جداره همسطح. *رعایت ریتم و توالی به جهت رسیدن به یک سوم طلایی. *استفاده از مصالح بومی و فرم هایی که پرت مصالح را کم میکند. *استفاده از نور و هدایت آن به داخل و بازی با نور و رنگ.

7. منابع و مآخذ:

- نقره کار، عبدالحمید (1381). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، نشر پیام سیما.
- هاشمی، سیدرضا، بانی، مسعود (1388). معماری معاصر ایران. نشر هنر معماری قرن.
- قبادیان، وحید (1386). معماری در دارالخلافه ناصری، نشر پشتون.
- بزرگمهری، زهره (1386). جزوه معماری ایران دوره اسلامی.
- راپاپورت، آموس (1392). انسان شناسی مسکن، چاپ دوم، نشر کسری.
- اردلان، نادر، بختیار، لاله (1379). حس وحدت، نشر خاک، اصفهان.
- بحرینی، حسین (1377). فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، جان (1386). نقش علوم رفتار در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی (1379). طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- آریان پور، امیرحسین (1380). جامعه شناسی هنر، نشر گسترده.
- قبادیان، وحید (1386). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد (1390). انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، ناشر علمی.
- پرهیزکار، غلامرضا (1382). فرهنگ و معماری ، نشریه حدیث زندگی شماره 11.
- آشوری، داریوش (1386). تعریفها و مفهوم فرهنگ، نشر دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (1382). جامعه شناسی ، ترجمه منوچهر صبوری.
- آیت الله زاده شیرازی، دکتر باقر (1385). سومین کنگره معماری و شهرسازی ایران : کرمان.
- پاکزاد، جهانشاه (1382). پدیدار شناسی نمای ساختمان های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن، مجله هنرهای زیبا، شماره 14.
- پاکزاد، جهانشاه، (1376). طراحی شهری چیست؟ مجله ی آبادی، شماره 25.

سایت: www.caoi.com